



احمد اسفندیاری، نقاش پیشگام معاصر

مهدی حسینی، عضو پیوسته فرهنگستان هنر

نوسان است، لحظه‌ای مکث ندارد و در هر گردش، از درک رنگ‌های پاک و حضور بی‌تکلف شکل لبریز می‌شود.

به‌راستی چگونه است ذهن هنرمندی که کمتر با جریان‌های پیشرفته جهان امروز (در هنرهای تجسمی) به شکل مستقیم مواجه نبوده است، این چنین پیشرو و سبک‌بال می‌تواند به سیلان درآید و آثاری این‌گونه اصیل و خوش‌قریحه و مبتنی بر فرهنگ سنتی بیافریند و اندیشه و خاطره قومی مخاطب را مجذوب خود سازد؟ چه عاملی به غیر از ذهن آفرینش‌گر و الهام‌نشئت‌گرفته از فرهنگ دیرینه قادر است این‌گونه سطح دو بُعدی بوم را بپوشاند و دنیایی را که ریشه در کهن‌الگوها دارد، با سادگی و از طریق انتقال رنگ روی بوم، به مخاطب بازگو کند.

آثار اسفندیاری در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی در اوج خودند. گویی تمام عواملِ خاطره، تاریخ، شعور استعلایی، دانش تصویری و جهان‌بینی پیشرو آفریننده‌اش، همه دست به دست داده تا انسان معاصر دوباره از طریق آثار او، آن دنیای سرشار از نور و رنگ و خاطره را درک کند. آثار ارزشمند احمد اسفندیاری در فرهنگ تصویری معاصر همواره جایگاهی رفیع خواهد داشت.

برگرفته از:

حسینی، مهدی، (۱۳۹۲)، «استاد اسفندیاری و گوهرهایش»، ویژه‌نامه بزرگداشت پیش‌کسوتان نقاشی ایران، تهران: فرهنگستان هنر، صص ۴۵-۴۷.

استاد احمد اسفندیاری (۱۳۰۱-۱۳۹۱ش) از سال ۱۳۱۹ فعالیت هنری خود را آغاز کرد. در نخستین تجربیات بصری (دوسالانه‌های اول و دوم، در سال‌های ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷)، بیشتر به اسلوب چهره، دست و طبیعت بی‌جان پرداخت. در دوسالانه سوم (سال ۱۳۴۱)، با روی آوردن به تصویر انسان و حرکت در فضای باز و رنگ‌های درخشان، دریچه‌ای تازه به روی مخاطبانش گشود. این دریچه که با گذشت زمان گشوده‌تر و رفیع‌تر هم شد، دنیایی نو برای استاد، و نیز جریان هنر جدید در ایران به ارمغان آورد که ریشه در فرهنگ سنتی، نقوش کاشی و آرایه‌های معماری، هندسه منضبط‌گرها و کاربردی‌ها و رنگ‌های درخشان و فریبنده ارسی‌های ایرانی داشت. از این پس احمد اسفندیاری با هراترو نمایشگاهش مخاطب را با فضای تازه‌ای از نور و رنگ آشنا ساخت. او در این آثار یاد و خاطره تزیینات معماری دوره صفوی، مدرسه چهارباغ و طراوت و هوای پاک هشت بهشت را تداوم بخشید. بیننده در ذهن خود جست‌وجوی کرد که چگونه آن روح پاک و روشن آفرینندگان آن آثار مجدداً حیات بخشیده شده و در عمیق‌ترین لایه‌های ذهن انسان معاصر که مدرن‌سیم را در عمل تجربه کرده است، حلول کرده و این پرده‌های آکنده از عشق و شور و رنگ را به بار آورده است. در این آثار پوشیده از نور و رنگ و جنبش، جداساختن موضوع از متن میسر نیست و این دو عامل مطرح در بیان تجسمی، در آثار این دوره اسفندیاری، چنان در هم تنیده‌اند که نهایتاً به فضایی انتزاعی منتج شدند. چشم مخاطب در همه جای تصویر در



احمد اسفندیاری، رنگ روغن، ۵۰×۷۰ سانتی متر، سال ۱۳۸۲



احمد اسفندیاری، رنگ روغن، ۶۰×۸۰ سانتی متر، سال ۱۳۸۱



احمد اسفندیاری، رنگ روغن، ۶۰×۸۰ سانتی متر، سال ۱۳۸۳



احمد اسفندیاری، مقاومت، رنگ روغن، ۱۵۰×۱۵۰ سانتی متر، سال ۱۳۸۶



احمد اسفندیاری، طبیعت، رنگ روغن، ۶۰×۸۰ سانتی متر، سال ۱۳۸۳